

من هم با رفتن شاه میروم

۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۰ ساعت ۱۶:۱۵

سرانجام آتش زیر خاکستر شعله کشید، قره باغی - همان گونه که پیش بینی می کردم سرانجام قره باغی حرف آخر را زد: «اگر اعلیحضرت بروند، من هم می خواهم با ایشان بروم.»

یکی از خطرات احتمالی که از سوی آمریکا نسبت به بقای حکومت شاه وجود داشت، فرار فرماندهان ارتش بعد از فرار شاه بود. آمریکا به خوبی آگاه بود در صورت تحقق این خطر، فروپاشی حکومت شاه حتمی است. این مسئله نیز به ساختار وابسته ارتش باز می گشت و اینکه ارتش شاهنشاهی در حرف خیلی بزرگ بود:

«اگر قرار است شاه برود، بهتر است در چند مرحله برود و این همان نظر فرماندهان دیگر بود. قره باغی گفت: شاه باید اول به کیش یا یک نقطه دور دست دیگر در جنوب برود و مدتی در آنجا بماند و بعد در صورت لزوم به خارج برود. سرانجام آتش زیر خاکستر شعله کشید، قره باغی - همان گونه که پیش بینی می کردم سرانجام حرف آخر را زد: «اگر اعلیحضرت بروند، من هم می خواهم با ایشان بروم.» دوباره، بحث طولانی در گرفت و دوباره از مسئولیت ارتش در قبال کشور و شاه صحبت شد. قره باغی، سپس به تشریح شیوه های کاری و روحیه ایرانیان پرداخت: «باید بدانید که اوضاع در کشور ما با کشور شما فرق می کند، اگر انتظار دارید کاری انجام شود، باید به مجری دستور دهید. تازه دستور هم که صادر شود. آن شخص باید زیر نظارت باشد، والا در کار پیشرفتی حاصل نخواهد شد، مردم کشور من این رویه را صدها سال است که فراگرفته اند.»

منبع: رابرت هایزر، مأموریت در تهران، خاطرات ژنرال، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۶۵، صص ۴۲-۴۳

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۴۸۳۱۹/میروم-شاه-رفتن-هم>